

آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۵۲ اسفند ۱۳۹۷

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

8 مارس روز جهانی زن مبارک باد



روز بزرگداشت مقام زن در تبریز با حضور مسئولین وقت ۱۳۲۵-۱۳۲۴

در هشتم مارس ۱۸۵۷، زنان کارگر کارگاه‌های پارچه‌بافی و لباس دوزی در نیویورک آمریکا به خیابان‌ها ریختند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط بسیار نامناسب کار شدند. این تظاهرات با حمله پلیس و کتک‌زدن زنان برهم خورد.

سال ۱۹۰۷ در دوره‌ای که مبارزات زنان برای تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی اوج گرفته بود، بمناسبت پنجاهمین سالگشت تظاهرات نیویورک در هشتم مارس، زنان دست به تظاهرات زدند.

ایده انتخاب روزی از سال به‌عنوان «روز زن» نخستین بار در جریان مبارزه زنان نیویورک با شعار «حق رای برای زنان» مطرح شد. دو هزار زن تظاهر کننده در ۲۳ فوریه ۱۹۰۹ پیشنهاد کردند که هر سال در روز یکشنبه آخر فوریه، یک تظاهرات سراسری در آمریکا بمناسبت «روز زن» برگزار شود.

ادامه درص ۲

نوروز برهمگان مبارک باد!



هموطن گرامی!

فرقه دمکرات آذربایجان آغاز سال 1398 شمسی را صمیمانه به همه خلق های ساکن کشور شاد باش می گوید. ما امید داریم سال پیش رو، سالی دور از ظلم و ستم و استبداد و سرشار از موفقیت، پیروزی و شادکامی برای ملت ایران باشد. خلق های ایران حق دارند در محیطی آزاد، دمکراتیک و شکوفا زندگی کنند. به امید آن روز!

خوش به حال روزگار

بوی باران بوی سبزه بوی خاک
شاخه های شسته باران خورده پاک
آسمان آبی و ابر سپید
برگهای سبز بید
عطر نرگس رقص باد
نغمه شوق پرستو های شاد
خلوت گرم کبوترهای مست
نرم نرمک می رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار
خوش به حال چشمه ها و دشت ها
خوش به حال دانه ها و سبزه ها
خوش به حال غنچه های نیمه باز
خوش به حال دختر میخک که می خندد به ناز
خوش به حال جام لبریز از شراب
خوش به حال آفتاب
ای دل من گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی پوشی به کام
باده رنگین نمی نوشی ز جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می که می باید تهی است
ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکویی شیشه غم را به سنگ
هفت رنگش میشود هفتاد رنگ
"فریدون مشیری"

روز زبان مادری و بازتاب آن ص ۴

باکیدا یاشایان ایرانی بی مهاجرله دانشیق ص ۶

29 اسفند روز ملی شدن صنعت نفت ص ۹

مبارزه زنان آذربایجان در بزرگداشت ۸ مارس... ص ۱۰

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

۸ مارس روز جهانی زن مبارک باد ...

جهانی زن» بتصویب رسید. کنفرانس، زنان سراسر دنیا را به گسترش مبارزه علیه نظم موجود و برای تحقق خواسته هایشان فرا خواند.

از اواسط دهه ۱۹۳۰، دنیا یک بار دیگر بسوی جنگ جهانی جدید روان شد. برگزاری تظاهرات «روز جهانی زن» در کشورهایی که تحت سلطه فاشیسم بودند، غیر قانونی اعلام شد. علیرغم این ممنوعیت، در هشتم مارس ۱۹۳۶، زنان در برلین تظاهرات کردند. در همان روز، اسپانیای فاشیست شاهد تظاهرات هشتم مارس در مادرید بود. ۳۰ هزار زن کمونیست و جمهوریخواه، شعار «آزادی و صلح» سر دادند.

در پی جنگ جهانی دوم، انقلابات و جنبشهای رهاییبخش در کشورهای چندی درگرفت. چین با شمار عظیم زنان و مردانش در زمانی کوتاه گامهای بزرگی در جهت رهایی زنان به پیش برداشت. در آن سالها، عمدتاً دولت‌ها و تشکیلات مترقی و انقلابی در بر پایی «روز جهانی زن» می‌کوشیدند.

در دهه ۱۹۶۰، در کشورهای آسیا و افریقا و آمریکای لاتین جنبشهای رهاییبخش بپا خاسته بود. در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته نیز جنبشها و مبارزات انقلابی و ترقیخواهانه بالا گرفته بود و جنبش رهایی زن نیز اوج و گسترشی چشمگیر یافت.

در آمریکا و اروپا، زنان علیه سنن و قیود و قوانین مردسالارانه و احکام اسارت بار کلیسایی بپا خواستند. در جنبش زنان موضوعاتی نظیر حق طلاق، حق سقط جنین، تامین شغلی، منع آزار جنسی، ضدیت با هرزنگاری، کاهش ساعات کار روزانه و غیره مطرح شد. این جنبش موفق شد در برخی از این زمینه‌ها پیشروی کند. در تظاهرات هشتم مارس ۱۹۶۹ زنان در دانشگاه برکلی در آمریکا گرد آمدند و علیه جنگ در ویتنام تظاهرات کردند.

در سال ۱۹۷۵ سازمان ملل هشتم مارس را به‌عنوان «روز جهانی زن» برسمیت شناخت.

بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم و بالاخص از اواخر دهه ۱۹۷۰، با توسعه سرمایه‌داری به کشورهای عقب مانده، بخش‌های بزرگتری از زنان درگیر کار و تحصیل گشتند. در عین حال، زنان همچنان در جامعه موقعیتی درجه دوم داشته و اسیر نظام مردسالار بودند. این تناقض، مسئله زن را حادثر و انفجاری تر کرد.

مبارزات زنان ایران در دوره جنبش مشروطیت شکل جدی تری گرفت. در میان انجمن‌های سری و نیمه‌سری زیادی که وجود داشت، انجمن‌های زنان نیز شکل گرفت. انجمن‌های زنان به طور مخفیانه در جنبش مشروطه شرکت می‌کردند و بعدها، در سالهای

در سال ۱۹۱۰، «دومین کنفرانس زنان سوسیالیست» که کلارا زتکین از رهبران آن بود، به مسئله تعیین «روز بین المللی زن» پرداخت. زنان سوسیالیست اتریشی قبلاً روز «اول ماه مه» را پیشنهاد کرده بودند. اما اول ماه مه، جایگاه و مفهومی داشت که می‌توانست اهمیت و جایگاه مبارزه مشخص بر سر مسئله زن را تحت الشعاع قرار دهد. زنان سوسیالیست آلمان، روز ۱۹ مارس را پیشنهاد کردند. مناسبت این روز، مبارزات انقلابی در سال ۱۸۴۸ علیه رژیم پادشاهی پروس بود که به عقب نشینی لفظی حکومت در نوزدهم مارس همان سال، منجمه در مورد مطالبات زنان، انجامید. «دومین کنفرانس زنان سوسیالیست» تاریخ برگزاری نخستین مراسم «روز زن» را ۱۹ مارس ۱۹۱۱ تعیین کرد. تصمیم گیری قطعی برای تعیین «روز جهانی زن» به بعد موکول شد.

بعد از انتشار قطعنامه کنفرانس در مورد تعیین «روز جهانی زن»، انترناسیونال دوم از این تصمیم حمایت کرد، و نخستین تشکیلاتی بود که این روز را برسمیت شناخت.

۱۹ مارس ۱۹۱۱ خیابانهای آلمان، اتریش، سوئیس و دانمارک با مارش زنان به لرزه در آمد. شمار زنان تظاهر کننده در اتریش به ۳۰ هزار نفر می‌رسید. نیروهای پلیس به تظاهرات حمله بردند و به زدن زنان پرداختند و گروهی را دستگیر کردند.

سال ۱۹۱۳ «دبیرخانه بین المللی زنان» (یکی از نهادهای انترناسیونال سوسیالیستی دوم)، هشتم مارس را با خاطره مبارزه زنان کارگر در آمریکا، به‌عنوان «روز جهانی زن» انتخاب کرد. در همان سال، زنان زحمتکش و زنان روشنفکر انقلابی در روسیه تزاری و در سراسر اروپا، مراسم «۸ مارس» را بشکل تظاهرات و میتینگ برگزار کردند.

در سال ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول درگرفت. در اروپا که مرکز جنگ بود، زنان انقلابی تلاش کردند تظاهرات ۸ مارس ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ را تحت شعار مرکزی «علیه جنگ امپریالیستی» برگزار کنند. در کشورهای درگیر جنگ، طبقات مختلف به موافقان و مخالفان جنگ تقسیم شده بودند و انشعاب در صفوف جنبش زنان، مانع از برگزاری سراسری و گسترده «روز جهانی زن» شد.

در سال ۱۹۱۷ تظاهرات زنان کارگر در پتروگراد علیه گرسنگی و جنگ و تزاریسیم، بانگ آغازین انقلاب روسیه بود. کارگران شهر در پشتیبانی از این تظاهرات، اعلام اعتصاب عمومی کردند. ۸ مارس ۱۹۱۷ به یک روز فراموش نشدنی در تاریخ انقلاب روسیه تبدیل شد.

سال ۱۹۲۱، «کنفرانس زنان انترناسیونال سوم کمونیستی» در مسکو برگزار شد. در آن کنفرانس، روز ۸ مارس به‌عنوان «روز

سرکوب تمام نیروهای مترقی و آزادیخواه جنبش اجتماعی زنان هم سرکوب شد. و در نهایت دولت پس از کودتا با ساختن تشکیلاتی تحت عنوان سازمان زنان ایران، تمام فعالیت های حقوقی زنان را در کنترل دولت و ارگانهای امنیتی قرار داد.

در انقلاب بهمن سال 1357 یک بار دیگر زنان کشورمان امکان یافتند تا دوشادوش مردان برای پیروزی انقلاب و حفظ دستاوردهای آن به میدان مبارزه بیایند. نقش زنان در پیروزی انقلاب و مبارزه با جریان های ضد انقلابی و حتی در دفاع از مرزهای کشور در جنگ تحمیلی، برجسته و غیر قابل انکار است. جنبش برابر طلبی زنان که همراه با دیگر نیروهای ترقیخواه در جهت پیشبرد اهداف انقلاب و ترقی و پیشرفت کشور بود به مذاق نیروهای ارتجاعی داخلی و حامیان خارجی آنها خوش نیامد. با سرکوب نیروهای سیاسی حامی انقلاب، هزاران زن مبارز نیز دستگیر راهی شکنجه گاههای حاکمیتی شدند که به انقلاب و اهداف آن پشت کرده است. این زنان آزادیخواه با شیوه های حیوانی زیر فشار و شکنجه قرار دادند و صدها نفر از آنان اعدام شدند. به این ترتیب رژیم جمهوری اسلامی مانند رضا شاه و محمدرضا شاه تشکیلات و سازمان های زنانی که پس از انقلاب تشکیل شده بود، منحل و رهبران و اعضای موثر آنها را دستگیر و راهی زندان های قرون وسطایی کرد.

جنبش اجتماعی و ترقی خواهانه زنان پایان نگرفت. مبارزات زنان پس از سرکوب ها بویژه در دو دهه اخیر از درخشانترین صحنه های مبارزات اجتماعی کشورمان به حساب می آید. در این سالها پیکار زنان ایران بر ضد ستم مضاعف طبقاتی، جنسیتی و ملی در کنار مبارزات کارگران، دانشجویان، معلمان، فرهنگیان، روشنفکران و خلق های ساکن کشور، بسیار موثر و تحسین بر انگیز بوده است.

شرکت پر شور زنان کشورمان در جنبش اعتراضی دی ماه سال گذشته، مبارزات قهرمانانه آنها در حرکت اعتراضی معلمان، فرهنگیان، دانشجویان، کارگران و ... توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. زنان دلیر میهن ما در این سالها نشان دادند که نه تنها تحت هیچ عنوانی حاضر به عقب نشینی از خواست های برحق خود نیستند. بلکه مصمم هستند تا پیروزی نهایی به مبارزه ادامه دهند.

پس از تشکیل مجلس و جنگ جهانی دوم از میان آنها سازمان هایی تأسیس شدند که به حقوق زنان می پرداختند.

از فعالیت های حقوقی زنان در سال های مشروطیت بدلیل مخفیانه عمل کردن اطلاعات زیادی در دست نیست. اما آزادی های نسبی در سال های پس از جنگ و تغییرات بین المللی در حقوق زنان (جنبش های حق رای زنان در آمریکا و انگلستان و پیروزی انقلاب اکتبر و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی که برای اولین بار در جهان برابری حقوق زن و مرد به رسمیت شناخته شد و جنبش های ترقی خواهانه در خاورمیانه بخصوص در مصر) را می توان از عوامل مهم رشد جنبش زنان در سال های بعد دانست.

در سال های بعد از انقلاب مشروطیت و پایان جنگ جهانی اول انجمن هایی که با هدف حقوق زنان به طور مستقل تأسیس شدند، بیشتر به تأسیس مدرسه های دخترانه و انتشار نشریه های زنان می پرداختند. در سال 1289 نخستین نشریه زنان منتشر شد و در سال 1311 آخرین سازمان مستقل زنان غیر قانونی شد. این سازمان ها و انجمن ها بیشتر توسط فعالان حقوق زنان که از طبقه متوسط به بالای تهران و شهرهای بزرگ (مانند اصفهان، رشت و شیراز) که اغلب تحصیل کرده بودند، تأسیس شدند. همه این سازمان ها در دهه 1300 توسط حکومت رضا شاه بسته شدند.

از میان سازمان های زنان می توان به انجمن حریت نسون، مجمع انقلابی نسون، جمعیت پیک سعادت نسون و جمعیت نسون و طنخواه اشاره کرد. از میان نشریات این دوره می توان به دانش، شکوفه زبان زنان، پیک سعادت نسون، نامه بانوان، عالم نسون، دختران ایران و جهان زنان اشاره کرد. این نشریه ها نیز همزمان با بسته شدن نشریات مستقل و منتقد در سلطنت رضا شاه تعطیل شدند.

در سال های 1320 تا 1331 را می توان سال های تجدید حیات دوباره جنبش زنان دانست که سازمان های مستقل تر و هدفمند تری را تشکیل دادند. تشکیلات زنان حزب توده ایران با هدف تامین حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زنان در این سالها نقش برجسته ای داشت. برای اولین بار در ایران و خاورمیانه دولت خود مختار آذربایجان به

رهبری سید جعفر پیشه وری برابری حقوق زنان با مردان را

برسمیت شناخت و روز جهانی زن در هشتم مارس (17 اسفند)

1324 رسماً برگزار شد. با کودتای خونین 28 مرداد 1332 و

از مبارزات کارگران و زحمتکشانشان کشور حمایت کنیم!

روز زبان مادری و بازتاب آن



در آستانه روز جهانی زبان مادری (۲ اسفند)، بیش از ۹۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مراغه، با امضای طوماری خواستار ارائه رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی در این دانشگاه شدند.

این درخواست به همراه امضاهای دانشجویان روز چهارشنبه مورخه ۹۷/۱۲/۱ تحویل دفتر ریاست دانشگاه تحویل گردید و مقرر شد، این درخواست از طریق ریاست دانشگاه به شورای دانشکده انسانی ارجاع داده شود تا بعد از طرح در شورا نسبت به ارائه این کد رشته از طریق وزارت علوم اقدام شود.

لازم به ذکر است، درس زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی از بدو ارائه در دانشگاه‌های آذربایجان، با استقبال گرم دانشجویان مواجه شده است که این موضوع یاری هرچه بیشتر مسئولان دانشگاه‌ها را در امر ارائه رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی می‌طلبد.

فایل پی دی اف متن نامه و ۹۲۶ امضای دانشجویان دانشگاه سراسری مراغه به همراه اسم و شماره دانشجویی امضا کنندگان برای ارائه کد رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی را در (اینجا) مشاهده کنید.

حراست دانشگاه مراغه در پی انتقامجویی از دانشجویانی است که در جمع آوری امضاء برای افزودن رشته زبان تورکی آذربایجانی فعال بوده اند.

در پی جمع‌آوری امضا برای افزودن رشته زبان تورکی آذربایجانی در دانشگاه مراغه، حراست این دانشگاه از دانشجوی متولی این اقدام خواسته است در عرض 48 ساعت، تسویه کرده و دانشگاه را ترک کند.

به دنبال جمع‌آوری امضا از سوی کانون آذربایجان‌شناسی دانشگاه سراسری مراغه که با ۹۵۰ امضا از سوی دانشجویان، مورد استقبال قرار گرفت، مسئولان حراست این دانشگاه اقدام به اعمال فشار به دانشجویان به دلیل این اقدام کرده‌اند.

سالار سرکشی، عضو کانون آذربایجان‌شناسی و یکی از متولیان این اقدام در خصوص جزئیات آن می‌گوید: با توجه حمایت دانشجویان از ارائه درس ۲ واحدی زبان تورکی در دانشگاه مراغه، بطوریکه

بیانیه کمیسیون حقوق بشر و حقوق شهروندی کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی؛

لزوم تدریس زبان مادری در مدارس

کمیسیون حقوق بشر و حقوق شهروندی کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی به مناسبت روز جهانی زبان مادری با انتشار بیانیه‌ای به لزوم اجرای اصل 15 قانون اساسی و تدریس زبان مادری در مدارس تاکید کرد.

متن این بیانیه به شرح زیر است:

حق تحصیل زبان مادری یک حق اساسی بشریست که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیتهای قومی، ملی، مذهبی و زبانی، اعلامیه جهانی حقوق زبانی و منشور زبان مادری مورد شناسایی، تاکید و تایید جامعه بین‌المللی قرار گرفته و کشورها در قانون اساسی خویش نیز خود را ملزم به رعایت و احترام به این حق دانسته‌اند. در واقع، جامعه جهانی به این یقین باور رسیده است که یکی از شاخصه‌های توسعه پایدار توجه به فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف و حفظ تنوع زبانی و تقویت چند زبانی می‌باشد.

کمیسیون حقوق بشر و حقوق شهروندی کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی با تاکید بر لزوم حفظ زبان‌های مادری در ایران و با مدنظر قرار دادن اصل متعالی پانزدهم قانون اساسی بر خود وظیفه می‌داند در راستای رعایت حقوق شهروندان این سرزمین، ضمن تریک روز جهانی زبان مادری، بر رعایت این اصل و حق تحصیل و تدریس زبان مادری شهروندان در مدارس کشور تاکید ورزد.

این یک وظیفه و تعهد است که مسئولین اجرای قانون اساسی، علی‌الخصوص ریاست محترم جمهور به عنوان مجری قانون اساسی، لوازم و شرایط اجرای این اصل مغفول مانده را فراهم نموده و با رفع ممنوعیت تدریس زبان‌های مادری در مدارس، به تعهدات بین‌المللی و داخلی خویش عمل نموده و با احترام به این حق مسلم بشری در راستای توسعه متوازن و پایدار کشور قدم بردارد.

طومار دانشجویان دانشگاه مراغه:

همزمان با روز جهانی زبان مادری؛ امضای طومار مطالبه رشته زبان تورکی در دانشگاه مراغه

بیش از 900 نفر از دانشجویان دانشگاه مراغه با امضای طوماری، خواستار ارائه رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی در این دانشگاه شدند

اسلامی پازلی است که هر بخش آن از قومیتی تشکیل شده و به آن روح یکدستی داده است.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه نظام اسلامی ما از مترقی ترین نظام های جهان در پرداختن به نقش قومیت ها است، افزود: بر اساس اصل ۱۵ قانون اساسی زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و اسناد، مکاتبات و متون و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد اما استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

وی ادامه داد: از سوی دیگر در شرایط کنونی از اولویت ها و ضرورت های حوزه گویش ها و زبان های محلی پرداختن به زبان های در خطر است.

این نماینده مردم در مجلس دهم یادآور شد: اتفاقا مناسبت هایی مانند روز جهانی زبان مادری فرصتی است تا ما به جایگاه زبان مادری در نظام آموزشی و حوزه عمومی توجه ویژه ای داشته باشیم.

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی، در رابطه با رابطه زبان مادری با پاسداشت و احیای فرهنگ ها، گفت: حمایت از تنوع زبانی، چند زبانی، ترویج، شناخت و نگهداشت زبان ها و گویش ها و به ویژه زبان هایی که در معرض خطر هستند و پیشگیری از بحران نابودی زبان ها و معاقب آن ناپدید شدن فرهنگ ها یک مسئله ملی و حتی جهانی است.

ساعی با تاکید بر اینکه زبان رابطه مستقیم با فرهنگ دارد و احیای زبان ها و پاسداشت آنها پاسداشت فرهنگ و سنت ها است، ادامه داد: به عنوان مثال برای ما آذربایجانی ها، زبان مادری تنها زبان نیست بلکه مهمترین نمود فرهنگ مان بوده و پاسداشت آن به منزله ابقا و احیای هویت و فرهنگ آذربایجان است.

عضو فراکسیون امید مجلس در مورد استدلال مخالفان ترویج زبان های محلی مبنی بر اینکه آموزش و ترویج زبان های محلی به کم رنگ شدن زبان فارسی و وحدت ملی منجر می شود، گفت: در قانون اساسی به روشنی و صراحت بیان شده آموزش و ترویج زبان های محلی و قومی در کنار زبان رسمی کشور که فارسی است بلامانع است و من طرفدار این روش و منش هستم.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: افراط گرایی در این حوزه را قبول ندارم اما باید در نظر داشت که زبان مادری در شکل گیری هویت و شخصیت افراد موثر است و فراگیری زبان مادری بر تداوم پیوند فرد با گذشته و ریشه خود خواهد افزود از سوی دیگر با نابودی یک زبان در اصل فرهنگ ارزشمند یک قوم همراه با پیشینه تاریخی، اجتماعی و هنری آن از بین می رود.

برای این ترم ۹۰ دانشجو این درس را اخذ کرده اند، ما به فکر درخواست رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجان برای دانشگاه افتادیم و بصورت قانونی، اقدام به جمع آوری ۹۵۰ امضا کرده و به ریاست دانشگاه تحویل دادیم.

سرکشی ادامه داد: به دنبال این اقدام، حراست دانشگاه، روز شنبه کارت دانشجویی من را گرفته و اعلام کردند بعدا کارت خود را از حراست تحویل بگیرید که همان روز کارت بنده را تحویل نداده و روز دوشنبه نیز از ورود من به دانشگاه ممانعت کردند و با اعلام اینکه تنها یک روز برای تسویه و ترک دانشگاه وقت داری.

وی در ادامه، اظهار کرد: با پیگیری من، منشی حراست دانشگاه اعلام کردند تنها ۴۸ ساعت فرصت تسویه و ترک دانشگاه به شما داده می شود و باید در این مدت دانشگاه را ترک کنی. و این در حالی است که من درگیر کارهای پایان نامه خود هستم و به هیچ وجه قادر به اتمام و تسویه در مدت ۴۸ ساعت نیستم و متاسفانه کسی پاسخگو نیست.

اما دکتر محمد علی لطف الهی یقین رئیس دانشگاه با انکار سخنان این دانشجو، روز گذشته، گفت: این موضوع صحت نداشته و رئیس حراست دانشگاه، خود جزو هیئت علمی دانشگاه است و چنین اقدامی از سوی وی نمی تواند صحت داشته باشد و بنده نیز با وی در این مورد صحبت خواهم کرد.

سخنان رئیس دانشگاه در حالی است که امروز، دانشجوی مذکور از سوی حراست دانشگاه به مشکل برخورد است. رئیس دانشگاه با بیان اینکه "من وقتی برای ملاقات ندارم" از پذیرش بنده خوداری کرده است و مسئولان حراست نیز به بنده اعلام کرده اند بعد از ۲۲ اسفند به دانشگاه مراجعه کنید و این در حالی است که اگر من تا ۱۰ روز پایان نامه خود را تحویل ندهم، اضافه خدمت شامل من خواهد شد.

این دانشجو ادامه داد: لازم به ذکر است دیشب مسئولان حراست خیلی از دختران دانشجو و متولی در جمع آوری امضا را تحت فشار قرار داده است و برخی نهادها در دانشگاه نیز اقدام به جمع آوری امضا برای محکومیت اقدام ما کرده اند.

زهرآ ساعی: زبان مادری مهمترین نمود فرهنگ قومیت ها عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه زبان رابطه مستقیم با فرهنگ دارد احیای زبان ها و پاسداشت آنها را پاسداشت فرهنگ و سنت ها دانست.

زهرآ ساعی با یادآوری دوم اسفند، روز جهانی زبان مادری در مورد جایگاه آن در نظام جمهوری اسلامی، گفت: ایران بزرگ

باکیدا یاشایان ایرانی بیر مهاجرله دانیشیق

هله ده اینام یاشادیر

دانیشیغی آپاران: ایبیش



گتیریردی آدمی. حتی بئله انشیتیمیشدیم زنگاندا بیر خانیمی دمکرات قیز ایدی دئییه، اینینده پالتار اولمادان کوچه نین اورتاسیندا گزدریمیشدیلر. بو ظلملر، بو جنایتلر، ایستر ایسته مز بیزلری ده واهمه یه سالمیشدی.

آذر آییندا قشون گلدی آذربایجانا. منیم آنام دا باشقا آدمالارلا بیر یئرده، منی گوتوردو کئچدی شوروی یه. البته بیزیم بو تایا کئچمه بیمیزی ده شخصاً نه من نه آنام بیلیردیک. بیز انله بیلیردیک کی داغلارا چکیلیردیک، داغلاردا محاربه انله مک ایسته بیریکی. اولا بیلر او جمعیتده نچه نفر بیلیردیلر. اما بیز بیلیردیک. حتی بیز گئتدیگیمیز ماشینین ایچینده بوللوجا توربالاردا سلاح و فشنگ وار ایدی. جوانلاریمیز آروادلارینی، اوشاقلارینی، انوینی، انشیکینی، قویوب آنجاق سلاح گوتورموشدولر. بیز انله بیلیردیک، اما گوردوک کئچمیشیک بو یانا.

سیز آنانیزلا برابر کئچدیز بو تایا؟

آنام زنجان حادثه سیندن نجه قورخموشدوسا، منی شهردن چیخارتدی کئچدی بو تایا. کؤچدی کی زنجان حادثه سی بیزیم باشیمیزا گلمه سین. هر حالدا ۱۵ یاشیندا قیزیدیم. آذرین ۲۰ سینده گنجه ساعت ۱۲ ده بیز اردبیلدن چیخدیق بیله سوارا. ایران بیله سواریندان کئچدیک او بیری بیله سوارا. بیزی اول سرحددن قایتاردیلر گنریه، ایران بیله سوارینا. آخشم بیزه

کنچمیش یوزایللیک ده آذربایجاندا معین اجتماعی و سیاسی سببلر اؤزره، مهاجرت آخینی اولکه دن خارجه باش وئرمیشدیر. هر مهاجرت دؤورونون اؤزونه مخصوص سببلری، مهاجرت ترکیبی و مهاجر طالعی اولموشدور. بو گون ده آذربایجان جمهوری سینده یاشایان قدیم مهاجرلردن بیری دکتر «عادلہ خانیم چرنیک بلند» دیر. ۱۵ یاشیندا اردبیل شهریندن اجتماعی مبارزه یه قوشولان عادلہ خانیم، بوگون ۹۰ یاشینا چاتماق اؤزره دیر. عادلہ خانیمین مهاجرت دؤورونون خاطره لرینی انشیتیمک اؤچون، اونولا باکی شهرینده آپاردیغیمیز اطرافلی دانیشیغیمیزین خلاصه سینی تقدیم اندیریک.

عادلہ خانم، سیز یئنی یئتمه یاشلارینیزدا سیاسی مهاجرته مجبور اولدونوز. اؤنجه بو یاشدا سیاسته قاتیلماغینیزین سببلریندن دانیشین.

۱۳۲۴ جی ایله آذربایجاندا ۲۱ آذر نهضتی نین نتیجه سینده ملی حؤکومت یاراندی. او ملی حکومت دؤورونده بوتون او زمانکی جوان لار کیمی، من ده بوحرکاتا قوشومدوم. اردبیلده جوانلار تشکیلاتینین فعال عضوی اولدوم و قیزلار شعبه سینده چوخ یاخشای ایشلر او جمله دن تئاتر و کنسرت پروگراملاری گوردوک. او زمان منیم ۱۵ یاشیم وار ایدی. آنام و آنام دا سیاسی فعالیتلری وار ایدی و ملی حؤکومت یاراناندان سونرا اونلاردا گلدیلر دمکرات فرقه سینین عضوی اولدولار. «آرازین او تاییندا» کی فیلمده، آذربایجان فیلامونیاسی نین شکیللری وار. بیزیم ده شکیللریمیز وار.

نه عامللر سیزی بو یاشدا مهاجرته مجبور انله دی؟

آذربایجان ملی مختاریت ایسته بیردی، ایراندان آیریلماق ایسته میردی. آنجاق خارجی دولتلر و ایران شاهلیق رژیمی نین قشون لاری قورخدولار کی بو ملی ایستک یاییلسین ایرانین باشقا ملتلی نین آراسیندا. دؤنیادا سیاستلر دییشدی. خارجی قوه لر خصوصیه آمریکا و انگلیسین کؤمگی ایله، شاهلیق رژیمی نین قشونلاری بو نهضتی و مختاریتیمیزی یئزینده بوغماق ایسته دیلر. طبیعی کی ظلملر اولوندو. باشلانندی بیرینجی زنگاندان. زنگاندا انله حادثه لر تورندیلر کی دهشته

نهاریمیزی ینیه ندن سونرا گلیردیک فرقه به. اتاقیمیز واریدی. حتی کامبخش بورا گلنده تعجب انله دی کی سیز نجه بیغجامسیز بوردا، او گلنده بیزیم اوشاق کُریمیز وار ایدی، نتاتر تشکیل انله میشدیک بو تایدا. سونراداکی اوچ ایل قورتاراندا سونرا بیر باشا بیزی وئردیلر اینیستوتا.

سونرالار سیز ایرانا قاییدیبسیز. نه سببدن قایتدیز؟ اینیستوتو قورتاراندا سونرا، بیر ایرانی یولداش ایله انولندیک. بیر زمانلاردان سونرا، منیم حیات یولداشیم حسین بهمنی دندی من گندیرم ایرانا. او زمان اجازه وئیردیلر کیم ایسته بیر گنتسین اوز وطنینه. بو خروشچفین واختیندا ایدی. آنام، بو سوادسیز قادین، منه دندی قیزیم سن دونیانین هاراسینا دنسن گندرم. اما ایرانا سنله گنتمه رم. من ژاندارمین قاباغیندا دای دورماغا حالیم یوخدو. گنتمیرم. او زمان من مرکزی کمپته ده ایدیم و فرقه نین مهاجرت ده اولان فعال بیر عضوی کیمی ایشله بیردیم. گوز قاباغیندا ایدیم. منه او بیر یولداشلار دندیلر کی عادل، سن گنتسن توتولاجاقسان، سن گنتسن حبس اولاجاقسان، اوشاقلارین اینجیبه جک، گنتمه. دندیلر هانسی باشقا بیر اولکه نی ایستیرسن گنت اگر بورانی بیه نمیرسن. دندیم آی بالا من بورانی بینیرم، اما ایستیرم گندم یولداشیمین یانینا، من ایستیرم گندم ایرانا، من ایستیرم گندم اوردا خالقیم خدمت انله بیم. او منیم اوشاقلیغیمدان قانیمدا وار ایدی. اونا گوره گنتدیم ایرانا.

ایراندان سیزی نجه قارشیلادیلار و سیز نه پرابلئم لرله اوزلشدیز؟

گنتدیک ایرانا. یولداشیمی [قاباقجا گنتمیشدی] سالدیلار حبسه. او قدر وورموشدولار کی گوز قولاغیندان قان گلیمیشدی. یولداشیم دئییردیلر سننن آرواد اوشاغینی شوروی ده ضامن ساخلابیلار و سنی بورا جاسوس گوندریبلر. ایرانا گلنده منله «میرفخرایی» آدینا پروفیسور دا وار ایدی. او مسکودا اوخوموشدو و وطنینه گنتمک ایسته بیردی.

میر فخرایی نین اوردا قوهوم لاری وار ایدی. اما اونلاری بیزه یاخین قویمادیلار. هنج کسین بیزدن گوروشمه یه حق یوخ ایدی. قارا عینکلی کیشی سیویل پالتاردا بیزی قارشیلادی. سونرالار من بیلدیم او پالتاری آنجاق ساواکی لر گئییردیلر. بیز چاتاندا تاسوعا عاشورا گونلری ایدی و ترانسپورت ایشله

تزه دن امر گلدی کی مینین ماشین لارا گندیریک. او زمانکی پوشکین اداره سینده بیر یئر واریدی. اورادا اوتاق لار آیردیلار بیزه.

او گون لرده سیزین ان مهم پرابلنملرینیز نه ایدی؟ نجه کنچیرتدیز او گونلری؟

او ایللر چتین و آجلیق ایللری ایدی. جماعت اوندا یاریم کیلو چورکله یاشایردی. هر نه محاربه اوچون ایدی. هر نه محاربه یه گوره ایدی. بیزی و نجه نفر بیزلری اوردا وئردیلر بیر انترناتا (شبانه روزی مدرسه). اوردا محاربه ده اونلارین قیزلاری قالیردی. بیزی ده آپاردیلار اورا کی آجلیق چکمه یک. انترناتا من ایدیم، پناهی نین قیزلاری ایدی، مدینه ایدی، اعظمی ایدی، سروان مرادی نین باجیسی نسرین ایدی و بیر باشقا نجه نفر. بهزادی نین کیچیک باجیسی هما بهزادی، او دا ۱۴-۱۵ یاشیندا ایدی. بیزی وئردیلر اورا کی هنج اولماسا یئمکن تآمین اولاق. پالتار دا وئیردیلر بیز گئییردیک. سونرا بیزی قویدولار همان ۱۳۲ نومه لی مکتبه. مکتبه اوشاق لار بیزی چوخ گوزل قارشیلادیلار، معلملر بیزی عزیزله دیلر. سونرا ۴۷-جی ایلین اولینده، یاش حسابی ایله بولدولر. یاشی آزاوانلاری وئردیلر تنکنیکوما. چوخلو قیزلاری و منی ده وئردیلر بیر نومه لی طب تنکنیکومونا. بیزی قویدولار اوردا ممالیق تنکنیکومونا. اوغلان لاریمیزی پارماتکس چمبره کند دئییردیلر، اورا قویدولار اوخوماغا. بیر آز بویوکلریمیزی، بیر آز سوادلی لاریمیزی اینستیتوتلارا پایلادیلار. طب اونورسیتیه سینه.

بنله چیخیر کی سیز او گون لرده بیر جدی پرابلئم له اوزلشمه دیز؟

اوزلشمیک کی هنج، بیز چوخ یاخشیلیق گوردوک. انله بیر مثل وار «عاشیق گوردویون چالار»، من ده گوردویومو دئییرم. بلکه باشقاسیندا پرابلئم اولوب. من اونو دئییه بیلرم. او چتین ایللرده جماعت چوللرده آجیندان اولوردو. اما بیزیم یئمکخانا وار ایدی. مشهور خواننده «فرنکیز احمدووا» نین آناسینی گنیریب قویموشدولار بیزیم یئمکخانانین مدیری، او بیزه صبحانه، نهار، شام وئیریدی.

سحر- سحر گندیردیک صبحانه میزی یئییردیک، درسه گندیردیک، درسدن قاییدیردیک نهاریمیزی یئییردیک،

کی منده دیشیکلیک عمله گلدی. فکرلشدیم کی یوخ، دای من بو دؤولت له باریشا بیلمه رم. گؤر بونو نه گونه قویوبلار. ویریبلار باشینا اونو بو گونه قویوب لار. چوله چیخانلار گندیب مجله لره، قزنت لره شکایت انله میشدیلر کی بس بیزیم قیزیمیز گندیب شوروی ده تحصیل آلیب، حکیم اولوب، اوز وطنینه گلیب اما سیز اونو حبس انله میسیر، ارینی ده او گونه قویوبسوز. نهایت «سپید و سیاه» ادلی بیر ژورنالدان گلدیلر مندن مصاحبه آلدیلار، شکیل چکدیلر و نهایت بیز اوردان چیحدیق.

نه سبیدن شورویه قاییتدیز؟

چیخانان سونرا بیزه ایش وئرمه دیلر. هارا گنتدیم قاپی باغلی، هارا گنتدیم دیدیم ساواکین قاپیسینا. آخیرده یاخشی بیر یولداش دندی بوردا شوروی بیمارستانی وار، گنت اوردا ایشله. من گنتدیم گؤتوردولر. ایشه گؤتوردن سونرا، اصلی مصیبت باشلادی. ساواک دندی بیمارستان شوروینین جاسوسی شبکه سی دیر، سن ده اوردان گلیمسن بوردا بونا گوره ایشله بیرسن. تهراندا اولاندا بلکه بیر اون دفعه ائو دیشمه یه مجبور اولدوم. هارا گنتسه ایدیک دالیمیزجا ایدیلار. دنیزه گنتمیشدیک انزلی یه. دنیزه گندنده ده دالیمیز جاق گزیردیلر. منده گنتدیم دندیم من ایستیرم چیخام گله م. قالمیرام بو مملکتده و بئله لیکله چیخدیم گلدیم بورا.

مهاجرته گلمه سه پدیز، ایراندا قالسایدیز، اوردا داها چوخ خئیر وئریدیز یوخسا بوردا؟

بیرنجیسی بالالاریمی نظره آلدیم گلدیم. اگر اوغلانلاریمی نظره آلماسایدیم منجه گلمزدیم. هر نه اولسایدی اولموشدو. من فکرله شیرم بو یولا دوشمه بیلمده، هنج بیر شئی انله مه میشم. منجه هنج نه انله مه میشم. من اوزوم اوزومدن او قدر ده راضی دئیلم. اما فکرله شیردیم کی انسانی گلیر گندیر بو دونیادان، اما آدم بیر ایش گؤرسون گنتسین. ایندی من نه بیلیم چوخ جزئی نه باچارمیشام اونو انله میشم. آرتیق باچارمیرام. ایندی ده کی هله ایشله بیرم، درس وئریم. منیم طلبه لریم مندن چوخ راضی دیر. چالیشرام بورداکی جوانلارا تجربه مده نه وار اویره دیم. نه قدر موقم بیلیمرم.

بو سؤجدیگینیزدن راضیسیزی؟

هله ده او اینام باشادیر .

میردی. اونا گوره بیزی تهرانا آپارا بیلمه دیلر. آپاردیلار «پهلوی» یه، ایندی کی «انزلی» یه. شهربانی ده ایکی اوتاق آیریمیشدیلار، بوشالتدیلار. اوتاق لاری وئریدیلر بیزه. میر فخرایی نین قوهوملاری هامیسی بویوک آدم ایدیلار، شهربانی نین حیطینده بیزه یورقان دؤشک و چلوکباب وئریدیلر. سهو انله میشدیلر، انله بیلیمشیدیلر من میر فخرایی نین آروادیم، اودا اوشاقلاری دیر. بیر آز کنچدی. بیر شهربانی افسر گپردی ایچری، او صحنه نی گوزوز گورمه سین، بیر-بیر بو اشیالاری اوتاغین یئکه پنجره سیندن آتدی شهربانی نین حیطینه. هامیسین آتدی چوله و «هیچکس با اینا نباید حرف بزند. هیچکس اینارو نباید بیینه. این امر خود شاهه» دندی. باخ بو سؤز ایندی یه کیمی ده قولایمدا دیر.

اوشاقلاریم اوستونده اولان تخت سفری اوزومون ایدی. بیر ملحفه چکمیشدیم اوستونه. شهربانی افسری او شئیلری چوله آتاندان سونرا گلدی منیم اوشاغیمین اوستوندن ملحفه نی گؤتورسون آتسین. بیردن انله بیل او انقلابی روحوم بیردن بیره اویاندی فارسجا دندیم: «دست زنید اونا همه ش مال خودمه». بو افسر چکیدی دالی. بیلیم منیم فارس دیلین بئله گوزل بیلمه بیمن، سسیمین چوخ گولو اولماغیندان، ایکی گول کیمی بالانین تخت سفرینین اوستونده یاتماغیندان، منیم دوقوز آیلیق حامله اولماغیمدان یا... آخیر کی بو چکیدی دالی و منه و اوشاقلاریمایا دیمه دی گنتدی. یازیق میر فخرایی گلدی اوردا منه دندی: «عادله، دئیبه سن بیز تلمیشیک گلک اولکه یه».

بیزی عاشورا گونونون سحریسی آپاردیلار تهراندا «باغ مهران» دئییلن بیر یئره. اوردا باغین دؤوره سینه تیکانلی سیم لردن چکمیشدیلر، زندان ایدی. نچه اوتاق وار ایدی. کیشی لر او اوتاقلاریین ایچینده زندانی ایدیلر. یئره کیلیم سالمیشدیلار اونون اوستونده یئرده یاتیردیلار. یای ایدی. ایستی ایدی. گوردولر من اوشاغا حامله یم. بیر چادیر قوردولار سیم لرین بو طرفینده اوردا منی یئرلشدیردیلر. سیم لرین ایچینده حبس اولان کیشی لره گونده بیر ایکی دفعه گزمگه اجازه وئریدیلر. گزب قاییداندا بیردن حیات یولداشیمی گوردوم. گوردوم او گوزل بدنی اولان انسان دان بیر دری قالمیشدی بیر سوموک اوستونده. فیلمده گؤستریلن مجنون دان دا پیس ایدی. باشینین سوموکلری ده کیچیلیمشیدی. کله ده کیچیلیمشیدی. اوندان انله بیل

29 اسفند روز ملی شدن صنعت نفت



صنعت نفت و استقلال سیاسی کشور مشکل داشتند، مذبوحانه استدلال می کردند که اگر قانون ملی شدن صنعت نفت مکتوم می ماند، امید آن می رفت که صنعت نفت را انگلیس رایگان در اختیار دولت ایران قرار دهد. آنها به حساب نمی آوردند که آنهمه غارت ثروت ملی ایران و ارسال نفت از راه لوله های جداگانه که شمارشی بر آنها نبود، این دولت انگلیس بود که مسؤل پرداخت غرامت به ایران بود نه دولت و مردم ایران. ایشان هم صدا با دولت انگلیس با کارشکنی در برابر دولت ملی به رهبری دکتر محمد مصدق، که برای اولین بار در تاریخ ایران بشیوه دمکراتیک و با رای نمایندگان انتخاب شده بود، بمخالفت آشکار پرداختند و دولت ملی را با چالش های جدی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روبرو ساختند.

دولت انگلیس بعد از تصویب قانون ملی کردن صنعت نفت تصور میکرد که با خروج کارشناسان انگلیسی صنعت نفت ایران فلج خواهد شد و متخصصین ایرانی قادر نخواهند بود تا تاسیسات صنعت نفت را راه اندازی کنند. باین دلیل با وجود قبول دولت ملی به باز ماندن متخصصین انگلیسی ایشان را از ایران فرا خواند. غافل از اینکه بعد از مدت کوتاهی، کارگران و کارمندان ایرانی با کمک تعداد معدودی از کارشناسان غیر انگلیسی با پشتیبانی از دل و جان مردم و بدنبال پیروزی ایران در دادگاه بین المللی لاهه، تاسیسات نفتی را در حد مطلوب به کار اندازند بطوری که ایران توانست علاوه بر تامین مصرف داخل مقداری نفت نیز به خارج صادر کند.

روز 29 اسفند سالروز تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در سال 1329 هجری شمسی، بزرگترین پیروزی مردم ایران طی يك قرن مبارزه ضداستعماری است. ریشه های این پیروزی اما به سال 1872 بر میگردد. در آن سال فردی به نام ژولیس رویتر با پرداخت 40 هزار پوند وام به ناصرالدین شاه امتیاز بیشترین اراضی کشور اعم از معادن و جنگلها را گرفت. هرچند این قرارداد بر اثر مخالفت روسها و افکار عمومی لغو شد اما در سالهای بعد با قرارداد داریسی داستان تراژدی - سیاسی نفت ایران ورق خورد. صنعت نفت ایران در ماه مه سال 1901 میلادی تاسیس گردید. یعنی تاریخی که به جز پنج ایلات شمالی امتیاز بهره برداری از منابع نفتی سراسر ایران به ویلیام ناکس داریسی واگذار گردید. به موجب این امتیاز، داریسی به مدت ۶۰ سال حق انحصاری اکتشاف و استخراج و بهره برداری از نفت و گاز و قیر و موم طبیعی بعلاوه حق انحصاری احداث خط لوله و استفاده از زمینهای بایر را بدست آورد. اولین چاه نفت در مسجد سلیمان در سال 1908 به بهره برداری رسید (ناگفته نماند که این اولین چاه نفتی بود که با بازده اقتصادی در خاورمیانه و منطقه حفر شد). دو سال بعد در سال 1909 شرکت نفت ایران و انگلیس پایه گذاری شد و اولین محموله نفت کشور در سال 1912 به خارج صادر گردید. از سال مذکور تا سال 1933 که قرارداد داریسی لغو شد، درآمد متوسط خالص ایران از هر بشکه نفتی که در آن زمان صادر میشد بسیار نازل بود. در این قرارداد شرکت نفت ایران - انگلیس (وابسته به انگلیس) متعهد به پرداخت سالیانه ۲۰ هزار تومان به دولت ایران گردید. مضافا پیش بینی شده بود که فقط کارگران ساده از افراد ایرانی باشند و بقیه کارکنان به میل صاحب امتیاز استخدام شوند...

پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ توسط مجلس شورای ملی، اداره صنعت نفت یعنی اکتشاف، استخراج، تولید، بهره برداری و تصفیه نفت و نظایر آن در اختیار دولت ایران قرار گرفت. وخامت اوضاع اقتصادی و اصرار انگلیس برای دریافت غرامت و عدم تجربه کافی دولت در اداره تشکیلات عظیم نفت، صنعت نفت ایران را به حالت رکود درآورد. دشمنان نهضت ملی که با ملی شدن

دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت استقلال سیاسی ایران تضمین شد، اما این مایه فسیلی حیاتی که می توانست در سرنوشت سیاسی و اقتصادی مردم و آبادانی و رفاه کشور مفید و مثبت باشد، بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سرنگون کردن حکومت ملی، سرکوب خونین نیروهای انقلابی، در راس همه حزب توده ایران و اتحادیه های کارگری و دهقانی یک بار دیگر به کمک دولت دست نشانده شاه، سرنوشت مملکت در اختیار غارتگران جهانی به رهبری امپریالیسم تازه نفس آمریکا قرار گرفت.

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ یک بار دیگر اداره نفت و گاز و فرآورده های های کانی در ایران در اختیار مدیران ایرانی قرار داد. اما دولتهای مختلف پس از انقلاب عملاً ثروت ملی را وسیله ای برای پیشبرد اهداف جناحی بکار گرفتند. در عمل این ثروت عمومی که باید در راه رفاه و آبادانی کشور هزینه شود، مورد سوءاستفاده های کلان باند مافیائی قرار گرفته است.

این اوضاع و احوال حساس که دولت ملی با يك قدرت جهانی دست و پنجه نرم میکرد و اقتصاد کشور در آستانه سقوط کامل قرار گرفته بود، شاه و دربار به جای حمایت از سیاستهای نخست وزیر وقت دکتر محمد مصدق و کابینه وی، کانون توطئه بر علیه دولت ملی گردیدند. نیروهای ارتجاعی و روحانیت مرتجع هم آواز با همپالگان انگیزی خود از هیچ کوششی برای ضربه زدن به نهضت ملی، نیروهای انقلابی و شخص دکتر مصدق کوتاهی نکردند و با حادثه آفرینی ها و پراکندن اخبار و اطلاعات جعلی در جامعه علیه دولت ملی به تضعیف حکومتی پرداختند که در برابر غول امپریالیسم آن زمان ایستاده بود.

اکنون بیش از شصت و هشت سال از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران میگذرد. ایران در این مدت دوران سخت و پر پیچ و خمی را پشت سر گذاشته است. گرچه با تصویب این قانون توسط مبارزات پیگیر ملت ایران به رهبری

مبارزه زنان آذربایجان در بزرگداشت ۸ مارس همچنان ادامه دارد

دکتر محمد حسین یحیایی



۸ مارس یا ۱۷ اسفند یادآور روزی است که زنان جهان مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر خود را برای بدست آوردن آزادی و حقوق مساوی در هر شرایطی ادامه دادند. زنان بویژه زنان چیگرا با اندیشه های سوسیالیستی در اروپا و آمریکا خسته از جنگ و گرسنگی و کار طولانی در مزارع و کارخانه و خانه به فکر راهی افتادند و نخستین تظاهرات خود را در نیویورک (۱۹۰۹) برگزار کردند که مورد حمایت زنان اروپا قرار گرفت و سال های بعد این تظاهرات ادامه یافت. و نقش مهمی در انقلاب اکتبر ایفا کرد، از آن رو، بعد از پیروزی انقلاب اکتبر در شوروی ۸ مارس به روز ملی و عید همگانی تبدیل شد. از آن پس کشور های سوسیالیستی و مجامعی که زنان در آن فعالیت گسترده و موثری داشتند، این روز را جشن گرفته پیرامون حقوق زن کنفرانس هایی برگزار کردند تا سال ۱۹۷۷ که سازمان ملل در نشست خود آن را «روز حقوق زن و صلح جهانی» نامید. پس می توان گفت که

ادامه می یابد که با رژیم ولایت به امروز می رسد. ولی در هر فرصتی زن تورک آذربایجانی برای رهایی و آزادی مبارزه کرده است، با آغاز روشنگری و جنبش زنان زحمتکش در اروپا که نسیم آن به ایران و منطقه هم رسید، زنان بویژه تورکان آذربایجان بار دیگر وارد صحنه سیاسی و اجتماعی کشور شدند، در سال های آخر دوران صفوی بویژه در دوران قاجار زنان مبارز، همدوش با مردان به مبارزه برخاستند، «زینب پاشا، زینب باجی» استبداد و خرافات را شکافت، چادر بر کمر بست و وارد صحنه شد و در مدت کوتاهی نامش در سراسر آذربایجان طنین افکند. رهبری ۱۰۰ ها زن آذربایجانی را در دست گرفت، نخست در تحریم توتون و تنباکو شرکت کرد سپس به معضل کمبود نان پرداخت که با همکاری فنودال ها و دلالان سودجو احتکار می شد. زینب پاشا زنان مبارز و عدالتخواه را سازماندهی می کرد و به انبار محتکران در زمان های قحطی و گرسنگی حمله می کرد، مردم محروم از شجاعت و جسارت زینب باجی سخن می گفتند و داستان ها می ساختند. هنگامی که زینب پاشا با خشم بسوی بازار روانه می شد مردم فریاد می زدند «زینب پاشا الهه زویا قویدی بازار اوستونه» مبارزه زنان در مشروطه خواهی هم ادامه یافت، تعدادی از زنان مبارز با پوشیدن لباس مردانه در صفوف مبارزین قرار گرفتند که در مواردی با شهادت آنان شجاعت، جسارت و از خود گذشتگی آنان برملا می شد.

مبارزه زنان در حوزه های گوناگون ادامه داشت، میرزا حسن رشدیه پدر معارف ایران و بنیانگذار آموزش نوین برای فرستادن دختران خود به مدارس دست به هرگونه ابتکاری می زد و گاهی موهای آنان را می تراشید که بتوانند در کلاس های درس شرکت کنند. پروین اعتصامی بانوی ادبیات در مبارزه با تبعیض، بی خردی و قوانین زن ستیزانه از ضرافت ادبیات استفاده می کرد که خوشایند استبداد نبود و استبداد با قوانین تبعیض آلود خود نیمی از جمعیت را از نیم دیگر جدا می کرد ولی هرگاه روزنه ای باز می شد زنان آذربایجان از آن بهره می جستند تا توانایی های خود را نشان دهند.

جنبش ۲۱ آذر زمینه مشارکت زنان را در فعالیت های اجتماعی و هنری فراهم کرد، پیشه وری و دیگر سران فرقه

جنبش زنان محصول دنیای صنعتی و مدرن است که زنان با آگاهی و شناخت جوامع و تضاد ها آن را دنبال کردند و در برخی جوامع مدرن با مبارزه طولانی و پیگیر به حقوق خود دست یافتند، ولی در جوامع کهن مانند آذربایجان این مبارزه به شیوه های گوناگون ادامه یافته، با حاکم شدن ادیان ابراهیمی بویژه اسلام و باورهای مذهبی و دور کردن زنان از جامعه، آنان در سایه قرار گرفته اند.

زن در اساطیر آذربایجان جایگاه ویژه ای داشته که بخشی از آن در کتاب حماسی «دده قورقود» بازتاب یافته است. در آن احترام و بزرگداشت زن احترام به آفرینش است (دده قورقود یک مقدمه و ۱۲ داستان دارد، دو نسخه خطی از آن یکی در «درسدن» آلمان و دیگری در «واتیکان» نگهداری می شود، هر دو به زبان های روسی، آلمانی، انگلیسی و ایتالیایی ترجمه شده است، استاد محمد علی فرزانه، حسین محمد خانی و دیگران تفاسیری بر آن نوشته اند) یونسکو نهاد فرهنگی سازمان ملل متحد برای قدر دانی و بزرگداشت کتاب دده قورقود سال ۱۹۹۹ را سال «دده قورقود» نامگذاری کرد. در کتاب حماسی تورکان تفاوتی بین فرزند دختر و پسر نیست و با تولد هر فرزندی شادمانی و جشن بر پا می شود. در نزد تورکان دختر هم مانند پسر سوارکار، جسور و مبارز است، زن آزاد است تا خود همسر خود را انتخاب کند، زن مسئولیت و تحرک اجتماعی دارد تا از منافع جامعه خود دفاع کند، در انتخاب شوهر گاهی با او مسابقه سوارکاری، تیراندازی و جسارت انجام می دهد (چیچک، بامسی بیترک را که خواستار اوست به مبارزه برای آزمایش زور، جسارت و توانایی در سوارکاری و تیراندازی می طلبد) در داستان های دیگر دده قورقود این روش در همسرگزینی ادامه دارد.

ملکه «توموروس» نشانگر قدرت و جایگاه زنان در حماسه های ترکی است، توموروس نماد شجاعت و قدرت در اداره جامعه است، سرزمین وسیع و گسترده ای را رهبری می کند که عدالت و امنیت در آن حکمفرماست، شایسته سالاری زن را در حماسه های ترکی به نمایش می گذارد. با گسترش ادیان، بویژه ادیان ابراهیمی (اسلام) زن از جایگاه اجتماعی خود دور می شود و با تبلیغ خرافات در کنج خانه ها قرار می گیرد تا در خدمت شوهر باشد و این روش و رفتار قرن ها

ای را بر علیه این جنبش مردمی براه انداختند که با گذشت بیش از چند دهه همچنان ادامه دارد.

در سال های نخست انقلاب سال ۱۳۵۷ بار دیگر زنان تورک آذربایجان همراه با مردان وارد صحنه شدند که این بار با فریب و خدعه ارتجاع روبرو شده مجبور به ترک صحنه شدند ولی هرگز به مبارزه خود پایان ندادند، آنان تلاش می ورزند در حوزه های علمی، هنری و ورزشی فعالیت خود را ادامه دهند و خود را آماده نگهدارند تا جایگاه خود را در جامعه بدست آورند. رژیم ارتجاع از همان روز های نخست دشمنی و کینه خود را به زنان نشان داد (در همان روز های نخست خمینی قانون حمایت خانواده را مخالف و مغایر با شرع اعلام کرد، دستور منع ورود بانوان بی حجاب به ادارات و اخراج آنان از ارتش، بیمارستان ها و مراکز دیگر صادر شد، سقط جنین ممنوع، سن ازدواج به ۱۳ سال کشیده شد و همزمان قانون قصاص و سنگسار به اجرا درآمد، تحصیل در برخی از رشته ها و حضور در میداين ورزشی ممنوع شد) در پی سرکوب نیرو های مترقی و پیشرو در سال ۱۳۶۲ قانون تعزیرات را به تصویب رساند که در ماده ۲ آن آمده است: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد و این کینه ورزی و ترس از زنان همچنان ادامه دارد.

حال یکی از چالش های بزرگ رژیم ولایت جنبش زنان و خیزش آنان در همه زمینه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. سیاست رژیم در برخورد با زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند شکست خورده است و مبارزه زنان هر روز ابعاد وسیعتری بخود می گیرد و رژیم ولایت در نهایت مجبور به عقب نشینی است، ۸ مارس فرصتی است تا زنان آذربایجان و دیگر واحد های ملی در گستره ایران با زنان جهان اعلام همبستگی کنند و با ارتجاع حاکم در منطقه و جهان به مبارزه خود ادامه دهند....

دمکرات آذربایجان به تساوی حقوق زن و مرد باور داشتند، پیشه وری سال ها پیش (۱۹۲۰ و ۱۹۲۴) مقالات متعددی پیرامون حقوق زنان و راه رهایی آنان از قید و بندهای خود ساخته و خرافات نوشته بود (نشریه یولداش) در این راستا فرقه دمکرات آذربایجان در مرانامه خود به حقوق زنان پرداخت و در ماده ۷ از مرانامه آورد که: بدون تبعیض حق انتخاب کردن نمایندگان مجلس برای کلیه زنان و مردانی که به سن ۲۰ سالگی رسیده و حق انتخاب شدن مردان و زنان از ۲۷ تا ۸۰ سالگی فراهم شود (قبیله صحیفلر ص ۱۱۷) در تبصره ماده ۸ آمده است: در انتخابات انجمن ها تمامی زنان و مردانی که به سن ۲۰ سالگی رسیده اند، حق رای و انتخاب شدن دارند.

فعالیت فرقه دمکرات آذربایجان جنب و جوش وسیع و گسترده ای در بین زنان ایجاد کرد، از یک سو مشارکت سیاسی و نظامی و از دیگر سو سواد آموزی در کارخانه ها، مراکز اداری و روستاها امید به آینده را بیشتر و شوق و ذوق یادگیری را به سرعت در بین آنان گسترش داد. اولین کنگره زنان تشکیل شد که در آن «معصومه ستاری» دختر ستارخان به ریاست آن انتخاب شد و در پی آن کانون زنان در شهر های اورمیه، خوی، اردبیل، زنجان، میانه، سراب، آستارا، مراغه و خیاو تشکیل شد، انجمن زنان شاعر، ادیب و هنرمند برنامه های خود را به اجرا درآوردند. در دوره یکساله حکومت ملی آذربایجان ۴ کنفرانس وسیع زنان تشکیل و برگزار شد که در آن بر اجرای حقوق مساوی با مردان تاکید شد. در روز هایی که ثبت نام برای قشون ملی آغاز شده بود در اولین فرصت بیش از ۱۰۰ زن ثبت نام کردند که برخی از آنها با گذراندن دوره آموزشی (مانند سریه شاهسون، راضیه شعبانی و...) به دریافت مدال ۲۱ آذر مفتخر شدند. استبداد، ارتجاع، امپریالیسم و کارگزاران داخلی و خارجی آنان از این تحرک و استقبال زنان در آذربایجان به وحشت افتادند و تبلیغات وسیع و گسترده

فرقه دمکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.

پیشه وری

گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران

رسول مهربان

«نتایج شکست جنبش دموکراتیک آذربایجان»

3- ترویج عصبیت های مذهبی به منظور انحراف افکار سیاسی



زدخوردهایی بین مسلمان ها و بهایی ها در کارخانه ی بهشهر ایجاد می شود، که دنباله ی آن به کشت و کشتار چند خانواده ی بهایی در بهشهر می انجامد . 1 و در تهران نیز بحث های تند و داغ صرفاً مذهبی و حمله به طرفداران کسروی و پاسخ های تند و تیز طرفداران کسروی به منتشرین، اوج بی سابقه ای می گیرد و همه ی این عوامل به کمک امپریالیسم می آید تا از طرح مسایل اساسی جامعه و بررسی و افشای غارت شرکت نفت جنوب جلوگیری شود . جامعه ی ایران از هر جهت گرفتار ترفندها و توطئه هایی شد که امپریالیسم به قصد بهره برداری بی دردسر از منابع نفتی به راه انداخت و در همین حال هیئت های مستشاری آمریکایی در زمینه های نظامی - فرهنگی - اقتصادی به ارتش و سازمان برنامه و وزارت فرهنگ مسلط می شدند، و تبلیغات ضد شوروی مهم ترین برنامه ی رادیو شد . و روزنامه های ارتجاعی تهران به سردمداری اطلاعات و با قلم و هدایت علی مسعودی هر روز مقالات تند و گستاخانه ای علیه شوروی منتشر می کرد و هیستری ضد شوروی به شدت رواج می یافت .

حسن صدر مدیر روزنامه ی قیام ایران از جمله روشنفکرانی بود که نمی توانست بلوک بندی ضد شوروی را تحمل کند و با

با چنین دسیسه های علنی و اتحاد جناح های استعماری ایران و حمایت دربار پهلوی و محافل ملی ، قرارداد همکاری ایران و شوروی برای استخراج و بهره برداری از نفت شمال از طریق ایجاد یک شرکت مختلط رد شد . موضوع مهمی که بعد از لغو قرارداد به وقوع پیوست و موجب اختلاف آمریکا و انگلیس و جناح بندی هایی در هیئت حاکمه ی ایران گردید ، یک تازی شرکت نفت ایران و انگلیس در بهره برداری از منابع نفتی جنوب بود . از طرفی قرارداد همکاری ایران و شوروی با آن همه مزایا و سودمندی نمی توانست در جامعه ی ایران و جناح های مختلف هیئت حاکمه بی تأثیر باشد ، زیرا شرکت نفت جنوب از اوضاع و شرایط ایجاد شده پس از سرکوب جنبش دموکراتیک آذربایجان و رد قرارداد همکاری ایران و شوروی به این خیال بود که با تغییر در بعضی مواد قرارداد 1933 و تصویب یک قرارداد متمم و تکمیلی ، ضمن تثبیت و تأیید مجدد اصل قرارداد 1933 ، با عواید مختصری که به درآمد کشور اضافه می شد، سروته قضیه را به هم بیاورد .

توطئه ی انشعاب در حزب توده ایران و استفاده ی تبلیغاتی که عوامل امپریالیسم از این ماجرا بردند، موجب مسکوت ماندن مبارزات ضد امپریالیستی ملت ایران شد . و در همان زمان به منظور انحراف افکار عمومی از مسایل حاد اجتماعی دست هایی به کار افتاد تا با ترویج عصبیت های مذهبی و قشری گری و توجه به ظواهر مسایل اسلامی وضع متشنج و منحرفی ایجاد کنند و توجه جامعه از مسایل سیاسی و مبارزات ضد امپریالیستی به یک سری ظواهر حاد مذهبی منحرف شود . به همین جهت از مهرماه 1326 برابر اخبار رو زمانه ها جلوی زنهایی بی حجاب در سر بازار گرفته می شود و با نصب اعلامیه های تهدیدکننده و توهین آمیز، به بازاریان تهران تأکید و امر می شود که از معامله و خرید و فروش با زنهایی بی حجاب خودداری شود و چند مرتبه حمله و هجوم به زنهایی بی حجاب و اسپیدپاشی مشاهده می شود . علاوه بر آن

نابودی استبداد و استقرار دموکراسی کوشش می کرد. انسان وقتی با وجدان جستجوگر و دور از تعصب در سیر و مطالعه می آن همه اسناد و مدارک که در آرشیو مجلات و روزنامه های کتابخانه می ملی ایران مضبوط است، فرو می رود و به غور و بررسی می نشیند، به این واقعیت انکارناپذیر پی می برد. نگارنده خود بارها و بارها ضمن مطالعه می آن اسناد و مدارک به همه می آن رهبران و شخصیت ها و نویسندگان بورژوازی لیبرال که بغض و عداوت و کینه را علیه حزب توده ایران در مغز و دماغ بسیاری از جوانان علاقمند به ترقی و سعادت ایران جایگزین کردند و از این راه به تفرقه و تشتت دامن زدند، لعنت فرستاد.

از فردای حمله و هجوم ارتش مستعمراتی به رهبری شاه و قوام به جنبش آذربایجان و شکست و عقب نشینی آن، برنامه و هدف عمده می بعدی امپریالیسم اضمحلال و نابودی حزب توده ایران بود. زیرا با حضور فعال این حزب نقشه های امپریالیستی سریعاً فاش و افشاء می شد. از اولین روزهای سال 1327 که نقشه های دربار شاه درباره می استقرار خفان و استبداد عمومی، توسط حزب توده ایران فاش شد، ملی گرایان آن دوره که عمدتاً در حزب ایران جمع شده بودند، بی اعتنا به این خطرها به گرفتن پست و شغل در سازمان برنامه که توسط هیئت های اقتصادی و فنی آمریکایی پی ریزی و تجدید بنا می شد، مشغول شدند. و از آن تاریخ کمتر به مسایل تند و حساس سیاسی پرداختند و در لاک یک سری بحث های مجرد و انتزاعی از مفاهیم دموکراسی و استقلال و فلسفه بافی های برتراندراسل فرورفتند. می توان گفت که ارواح اصحاب اسکولاستیک در قالب تکنوکرات های حزب ایران حلول و ظهور کرد و همه می بحث ها و مقاله های روزنامه می جبهه، ارگان حزب ایران در سال 1327 مملو از چنین مسایلی است. و گاهی چند ترجمه از روزنامه ها و مجلات خارجی درباره می نفت و مذاکرات سفرا و نمایندگان آمریکا و انگلیس به چشم می خورد. دکتر محمد مصدق نیز به سکوت و گوشه نشینی در احمدآباد ادامه می داد و گاهگاهی در بعضی محافل و جلسات رجال و شخصیت های سیاسی که همگی از مشاهیر بازار سیاست بودند، شرکت می کرد.

1- روزنامه می داد، 26 مهر ماه 1326، شماره می 1074

2- قیام ایران، یکشنبه 8 آذر 1326

همه می احترام و علاقه می که به روابط دوستانه می ایران با آمریکا داشت در صفحه می اول روزنامه در کادر و با حروف درشت نوشت: «آقای سفیر کبیر - ملت ایران قریب یک صد سال یعنی از آن روزی که نخستین قافله می مبلغین آمریکایی به ایران آمد، تا این اواخر در برابر نیات پاک و خدمات صادقانه می شما سر تعظیم فرود آورده، تا جایی که در دارالشورای ایران حساب شما را از بیگانگان جدا ساخت. امروز نیز اگر علاقه دارید دولت متبوع شما بر قلب ملت ایران فرمانروایی کند ادامه می راهی را که سرانجام به تیرگی سیاست خارجی ایران منتهی خواهد شد ترک گوئید.»² مسلم بود که این وضع نمی توانست ادامه یابد زیرا حزب توده ایران که از زیر ضربه می هجوم ارتجاع به آذربایجان و دسیسه و توطئه های انشعاب ملکی به هرحال توانست به درآید و کمر راست کند، بلافاصله خطر امپریالیسم آمریکا را با ذکر همه می خصوصیات و نشانی ها و عوارض زبان بار آن بر حیات سیاسی و اقتصادی ایران مطرح کرد و ضمن مبارزه با استعمار مسلط بریتانیا و شرکت نفت جنوب، خطر تسلط امپریالیسم آمریکا را که بدون سروصدا و به طور خزنده، مستمر و بی وقفه، به همه می شرایین حیاتی ملت ایران مسلط می شد، اعلام کرد. و بار دیگر تشکیل یک جبهه می متحد ضد امپریالیستی را در برنامه می خود قرارداد. چنین هدفی می توانست از طریق ایجاد یک جبهه می متحد ضد دیکتاتوری برآورده شود، و این بزرگترین و مبرم ترین نیاز جبهه می دموکراسی ایران بود. زیرا هیئت حاکمه به دنبال تسلط بر جنبش دموکراتیک آذربایجان و کشتار دسته جمعی کارگران و کشاورزان و استقرار حکومت نظامی در آذربایجان و تهران و برپایی سیستم پلیسی بر سرتاسر کشور به توقیف روزنامه نگاران دموکرات و ملی دست زد. و دربار پهلوی درصدد استقرار آن چنان نظم و نسقی بود که بتواند از تکرار وقایع سال های 24 و 25 جلوگیری کند و اجرای چنین هد فی را از راه بستن و تعطیل و تحدید روزنامه های مستقل و ملی و منع و محدودیت فعالیت های حزبی تعقیب می کرد. حتی شایعه و زمزمه می تبعید دسته جمعی گروه های سیاسی مخالف دولت شنیده شد و در همه می این مقاومتها می ضد استبدادی، حزب توده ایران به موجب اسناد و شواهد کتبی موجود، پیشقراول بود و با هدف

گام به گام مردان و زنان با هم



عجیب و غیر معقول است که به تن کردن همزمان چند پیراهن مجلسی.

زنانی که فریب سرمایه‌داری را خوردند و اجازه دادند ملکه های زیبایی انتخاب شوند و مثل یک شیء روی اندامشان قضاوت شود و لیدی گاگاها بشوند برند!!!

زنانی که نفهمیدند هنگام ازدواج قرار نیست مثل کالا فروخته شوند و در باور مردان گنجانند تمام خواسته زن از آنها پول و طلاست و جنگ مقدس زن یعنی همین!

زنانی که از مدرن بودن همین را آموختند که نباید بوی قورمه‌سبزی بدهند در حالی که بوی غذا دادن حق خوری نیست عشق است، کانون مهر خانواده بودن حق خوری نیست زندگیست.

مادرم مبارز خوبی بود، معنی فمینیسم را نمی دانست، رزا را نمی شناخت ولی آریین میرکان ها را الگویمان کرد.

خواهرم هر روز برای برابری می جنگد و من ستایشش می کنم، من هم در کنار شان می جنگم برای شعور، برای آگاهی. می خواهم دخترم از زن بودنش لذت ببرد، بخندد، برقصد، شعر بخواند، به تئاتر برود، آشپزی کند، به باشگاه برود، کتاب بخواند، شوپنهاور و نیچه را بشناسد، به نبوغ ادبی بختیار علی و شیرزاد حسن ایمان بیاورد و از زنانگی فقط دلبری کردن را نیاموزد.

من هم می خواهم به جنگ مردان کج فهم جامعه ام بروم ولی ایمان دارم با سلاح آگاهی می شود مبارزه کرد.

دوازده سالم بود که خواهرم کتاب های فمینیسم و رزا لوکزامبورگ را داد تا بخوانم. خواهرم همیشه در حال مبارزه بود، برای گرفتن حقش همیشه در جدال بود، جدال با دورانی که در آن متولد شده بود، جدال با پدری دیکتاتور، با برادری غیرتی و ...

او واقعا یک فمینیست خوب بود و بعد از ازدواجش هم فمینیست ماند، او مبارزه را از مادرم آموخته بود.

من اما هرگز نتوانستم با مردها بجنگم، من عاشق پدرم بودم، عاشق برادرم و همینطور همسرم.

من هم سرسختی مادرم را به ارث برده‌ام و همیشه در حال جنگم ولی نه با مردان. من ایمان دارم حقم را باید اول از نان بگیرم.

حقم را زنانی زیر پا گذاشته‌اند که تمام دغدغه‌هایشان ست کردن رنگ رژ و لاکشان است، زنانی که جاری و مادرشوهر و خواهرشوهر را هیولا می دانند.

حقم را از زنانی می خواهم بگیرم که دغدغهی روزمرشان فشن شوها و مدهای جدید لباس است، زنانی که هرگز به باشگاه نرفتند، هرگز پا به کتابفروشی ها نگذاشتند، زنانی که روانشناسی سرمایه‌داری در باورشان گنجانده برای خوب شدن حالشان باید به پاساژها و مراکز خرید بروند.

حقم را از مادرانی باید بگیرم که قبل از بچه دار شدن حتی یک کتاب هم نخواندند و بی شعوری را بازتولید کردند، زنانی که بعداز دورهمی هایشان می گفتند: پذیراییشان مجلل نبود، گوشه مبلشان خاک نشسته بود، فلانی بچه دار نمی شود و... و اجازه دادند واژه ی تحقیرآمیز "خاله زنک" زاده شود.

حقم را آن زنانی زیر پایشان له کردند که معیار با ارزش بودنشان را در وزن طلایشان می دانند و هرگز نفهمیدند که طلا فقط یک عنصر از جدول مندلیف است که ما به آن بهاداده ایم و برعکسش یعنی فاجعه. زنانی که هنوز نفهمیده‌اند انداختن چند گردنبند همزمان در مراسم ها همانقدر

تاریئل اومید

آنامین خاطره سینه

دوشدو گۆز یاش لاریم، داش پارچالاندی
دوشدو گۆز یاش لاریم، داش پارچالاندی،
توک باس میش ساققالیم، اوزوم آغلادی.
یومروق بویدا اورک، پارچا-پارچادی،
تابوت آرخاسینجا ایزیم آغلادی.

بیر آنا شام کیمی یاندی قورتاردی،
دونیا یا سئوگی سین بیغدی آپاردی.
من کی، اولمیشم، اولن آنامدی،
دیری ایکن منی قیزیم آغلادی.

دؤزدو قوربتده ده، کؤچکون لویه ده.
ایناندی همیشه بیره، گویه ده.
بؤیوتدو منی ده بو تربییه ده،
من آنا دنینده سوزوم آغلادی.

اومید یئتم قالدین خوشبختلیک بیتدی،
علینده توتدو غون میروارین ایتدی.
اؤپدوم گۆزلرین دن، آپریلدی گنتدی،
توک باس میش ساققالیم، گوزوم آغلادی.

گنجه شهری، 11 مارت 2019-جو ایل

ملکه آنا دونیاسینی دییشدی

الله رحمت انله سین، روحو شاد اولسون!



مارتین ۱۱- ده گنجه شهرینده ایرانلی سیاسی مهاجر معلمیکه محمدکریم قیزی پرده شوناس ۹۰ یاشیندا دونیاسینی دییشدی. بو آغبیرچک نه اینکی منسوب اولدوغو عائله نین، نصلین افتخاری، یول گؤسترنی سایلیبیردی، مصلحتلریندن یوزلرله انسان فایدالانیردی. او، جمله دن اوولادلاری شاعر تاریئل اومید، آفتانیدیل معلم، پنداقوق پری خانیم، بایرام و تیناتین حکیم، همچنین مختلف ساحه لرده چالیشان علی اسگر و علی اکبر. محض بو توصیه لره عمل ائتدیکلرینه گوره اونلار یاشادیقارلی یئرلرده، ایشلیدیکلری کوللنکتیولرده یوکسک نفوذ صاحیبی کیمی فورمالاشماقلارینا گوره قایغیکش آنا یا اوزلرینی دایم بورجلو سایبیرلار.

معلیکه خانیم ترترده تورپاغا تاپشیریلدی. روحو دایم جانلی، خاطره سی ایسه قلیبلرده دیر.

الله رحمت انله سین، روحو شاد اولسون!

درین حرمتله،

”ایرانلی مهاجرلر جمعیتی“ اجتماعی بیرلیگینین

ایداره هنیئتینین عضولری

Azərbaycan qəzeti
5- ci dövr 152-ci nömrə Mart 2019
Qəzet təhriyə heyəti tərəfinfən nəşr olunur.
www.adfmk.com

قزنت تحریریه هنیتی طرفیندن نشر اولونور
قزنتین آرتیریپ، یاییمی آزاددیر
E- mail info @ adfmk.com